

گر نیندیشیم نیستیم

داستان ها، وقایع سینه به سینه یعنی تاریخ ناطق، گفته ها و نوشته ها و نقل قول های زنده و بیدار، گویای واقعیت های آموزنده زندگی، آن چنان که بوده اند می باشد. وجود ذی جود سالمندان را قدر بدانیم و درصدر نشانیم و بیاموزیم.

قبل از این که واقعه بسیار هیجان انگیز و آموزنده محله یهودیان کاشان در دوران شاه عباس را بازگو نمایم لازم است در این باره گفتگویی با هم داشته باشیم.

کاشان که ریشه نام آن را کی آشیان نیز می گویند (خانه کیکاووس) یکی از قدیمی ترین شهرهای ایران و یهودی نشین بوده که سند متجاوز از هزار و چهار صد ساله آن، زبان خاص یهودی است، این زبان خاص یهودیان، مانند زبان های یهودیان اصفهان و همدان و بعضی از سایر شهرهای یهودی نشین ایران ریشه در زبان زرتشتی قبل از حمله اعراب دارد و کلمه ای از زبان عربی در آن ها دیده نمی شود و نشان می دهد بعد از حمله اعراب یهودیانی که نجات یافته بودند زبان محلی زرتشتی هزاران ساله آن روز خود را حفظ کرده اند.

در مجلس مهمانی خصوصی در کنار جوانی ضرب گیر نشسته بودم از او پرسیدم اهل کدام شهری؟ گفت ابیانه، ابیانه شهری است بسیار دیدنی در ۱۱ فرسخی کاشان که خاک آن مایل به رنگ قرمز است و آداب و رسوم خاص خود را دارند. شنیده بودم که ساکنین این شهر، مانند بسیاری از شهرها و دهکده های پیش از حمله اعراب قبلاً همه یهودی بودند و به زبان یهودی کاشی صحبت می کنند.

وقتی آقای ضرب گیر گفت اهل ابیانه هستم به زبان خاص یهودیان کاشان با او شروع به صحبت کردم، با کمال تعجب به همین زبان گفت اهل ابیانه هستی؟ از کدام طایفه ای؟ به صحبت ادامه دادیم به او گفتم تو می دانی مانند بسیاری از ایرانیان مسلمان، ریشه یهودی داری؟ و مانند سایر یهودیان از هر ایرانی ایرانی تری و خودت نمی دانی، چون قبل از حمله اعراب اهالی ایران اکثراً، یا زرتشتی بودند یا یهودی و زرتشتی ستیزان و یهودی ستیزان فعلی، خودشان از اصلیت خویش بی خبرند و در حقیقت خود ستیزی می کنند و زحمت جمع می دارند. و زبانی که من و تو الان صحبت می کنیم همان زبان زرتشتی قبل از اسلام است؟ که می تواند مدرک زنده آن باشد.

گفت: پیران ما می گویند ما یا گبریم (زرتشتی) یا جید، قدری فکر کردم گفتم دین تو یهودی بوده، زبان تو زرتشتی که ادامه می دهی، شاید با یک کلمه بتوانم به تو ثابت کنم که تو، جیدی! در حالی که مانند دو نفر یهودی کاشی گرم سخن بودیم گفتم شما در زبان محاوره خود کلمه محیلا به کار می برید؟ گفت آره. گفتم یعنی چه؟ گفت یعنی به بخشید، گفتم محیلا کلمه عبری است که از عبری، به زبان ما آمده نه عربی است نه زرتشتی نه فارسی. دست داد و خندیدیم و جای شما خالی صفا کردیم. و یادی از بهترین نویسنده ایران، شادروان مطیع الدوله حجازی و کتاب آئینه او نمودیم.

افسوس که زبان ها هم عمری دارند و همه زبان های محلی ما در حال تحلیل اند، عمری دوباره باید تا مادر گیتی افرادی مانند دوست دبیرین ما، روان شاد پروفیسور امنون نتصرهائی بزاید، که تاریخ خون آلود اقوام ایرانی را بیش از پیش بررسی و از زیر آوار تاریخ بیرون آورد. با مطالعه تاریخ ایران و رفتار تاسف بار اغلب شاهان و حکم رانان با یهودیان هم وطن خود می بینیم با وجود کمبودها، خوشبخت ترین نسل یهودی مقیم ایران آنانند که در ایام طلوع سلسله پهلوی متولد شدند. توصیه می کنم هر چه بیشتر تاریخ بخوانیم چون، پیغمبران از آینده خبر می دهند تاریخ پیغمبری است که از گذشته خبر می دهد. با سالمندان وقت صرف کنیم و از گذشته بیاموزیم چون کسی که گذشته خود را نداند نخواهد توانست آینده بهتری بسازد.

ملت ها به قدمت تاریخ و محل سکونت خویش خاطره و تجربیات آموزنده دارند. ملت های زرتشتی و یهودی و ارمنی از قدیمی ترین ها هستند که هر ایرانی می تواند از تجربیات آنها بیاموزد.

در ایام کودکی که جمعیت یهودی کاشان در اوج خود بود و هنوز نام قدیم خانواده ها وسیله شناسائی ایشان بود خانواده ای بودند به نام موشی شاهی- موسی شاهی که یکی از افراد این خانواده چهار صد ساله، به نام آقا یوسف، شماش (خادم) بزرگترین کنیسای شهر، کنیسای ملامیخائل بود و به همراه برادر خود میرزا، نام خانوادگی اهرونیان را انتخاب کرده بودند و نواده های ایشان در لس آنجلس و ایسرائل زندگی می کنند و تا آنجا که مطالعه کرده ام کمتر کسی ریشه این اسم، که قابلیت ساختن فیلم جالبی دارد را می دانست (درباره فیلم مطالعه می کنم)

در مورد وجه تسمیه نام موشی شاهی شرح واقعه ای بسیار جالب باقی مانده از دوران صفویه، حاکی از فهم زن و شوهری به نام سارا و موشه توام با حدسیاتی حاکی از شعور و موقع شناسی حیرت انگیز ایشان، قابل بسی تحسین و افتخار دوران ظلم شاه عباس صفوی است.

شاه عباس شهر کاشان و چشمه قریه فین را بسیار دوست داشته و باغ و بارگاه زیبایی مشرف به این چشمه می سازد که امروز یکی از آثار تاریخی ایران است و هنوز این چشمه (گویا دو هزار ساله) در حال فوران است و در دوران پهلوی یکی از تفریحگاه های همگانی، از جمله یهودیان بود که داستان های بسیاری از آنها به جا مانده است. شاه عباس در این باغ زندگی می کرده و در شهر کاشان هم فوت می کند و در این شهر در محلی به نام مشهد قالی شوران مدفون است. که در فرصتی دیگر درباره آنها گفتگو خواهیم کرد.

برای این که بدانیم شاه عباس یهودی ستیز قسی القلب، چه رفتاری داشته! به کتاب جهان فردا یا روح تاریخ، نوشته دکتر عزت الله همایونفر (صفحه ۱۲۳) مراجعه می کنیم که می نویسد: "مردی خوشنویس در دوران شاه عباس زندگی می کرد، به نام میر عماد، قلم او معجزه می کرد، نظیرش تا آن روز نیامده بود، گویا گرایش به مکتب سنی داشته، شاه عباس شیعه، دستور می دهد که دژخیمی به خانه او برود و او را به قتل برساند در حالی که سنی و شیعه هر دو یک مکتب اند، به نام مکتب مقدس اسلام. تعصب را نگاه کنیم به این قرار که دژخیم به بهانه خوردن ناهار به منزل میر عماد می رود و غذای او را می خورد و بعد او را به قتل می رساند تا سفره ای را که بر آن مهمان بوده رنگین شود، سر بریده میر عماد را برای شاه می برد تا تشنگی تعصب شاه را سیراب کند، در حالی که پادشاه هند پیامی برای شاه عباس می فرستد که به وزن میر عماد به تو جواهر می دهم که او را به من به بخشی و پیش من بفرست، که دیر شده بود همین پادشاه دیندار مروج دین هنگامی که به پسرش صفی میرزا مشکوک شد که می خواهد شاه شود دستور داد میر غضب سر او را برید! بعد که پشیمان شد از میر غضب بدبخت خواست پسر خودش را نیز سر ببرد، و اجباراً سر فرزند خود را به دستور شاه برید و مورد عنایت شاه قرار گرفت. (مگر نشنیدیم صدام حسین، کسی که با خون خود روی دیوار مسجدی که خود ساخته بود کلمات مقدس نوشته بود دامادها و گویا نوه خود را کشت) و همین پادشاه دو فرزند خود به نام قلی میرزا و محمد میرزا را کور کرد که هوس شاه شدن از سر بیرون کنند.

به نقل از کتاب تاریخ یهود نوشته دکتر جیبب لوی و کتاب تاریخ اجتماعی کاشان نوشته آقای نراقی در دوران شاه عباس، محمد بیگ اعتماد الدوله در یک روز یکصد و پنجاه نفر یهودی را به دلیل امتناع از تغییر دین، در کاشان سر می برد و هزاران یهودی را مسلمان می کند که کوچه جدیدها در مرکز محله یهودیان کاشان بازمانده آن زمان است، چه بر سر زرتشتیان و ارامنه مظلوم آورد بحثی است جداگانه. آیا دستور قتل مکن مورد قبول ادیان، مشروطه به اگر و اما و مگر بوده است؟ نسل ها باید بدانند:

این سرگذشت ها را که بروی بوریا نوشته اند

یاران رفته ما با قلم پا نوشته اند

آیا از کسی که با مادر خود زنا کند می توان توقعی جز شقاوت و بشر ستیزی داشت، چنین پادشاهی فرمان می دهد هر کس شراب بنوشد کشته شود و طبق عادت گاهگاهی در لباس مبدل درویشی با کشکول و تبرزین یاحق یاهو، گویان به مناطق گوناگون شهرها می رفته.

در غروب جمعه ای حدود چهار صد سال قبل در لباس درویشی به محله یهودیان کاشان می رود درب خانه ای را می زند سارا همسر موشه در را باز می کند و فوراً او را می شناسد و با احترام او را سر سفره (شب شبات) می برد و آهسته به شوهرش می گوید موشه شاه، موسی، شاه درویش نما را در کنار خود می نشاند و چشم شاه متوجه لیوان شراب سر سفره می گردد موشه با دست های لرزان لیوان را برمی دارد براخا می گوید (آرزوی برکت برای درخت انگور) و شراب را بو می کند و لیوان را به زمین می گذارد.

درویش می گوید چرا نخوردی؟ موشه آهسته می گوید مگر خبر نداری شاه فرمان داده هر کس شراب نوشد کشته شود. ما یهودیان طبق امر شاه به جای آشامیدن بو می کنیم چون طبق دستور دینی خود در هر مملکتی که زندگی می کنیم باید تابع قوانین آن مملکت باشیم و فرمان شاه مقدم بر سنت های ماست و ما وظیفه داریم هر روز شنبه در حضور تورات مقدس به شاه و زعمای مملکت دعا کنیم و عین نوشته مربوطه را ترجمه و برای او می خواند. به قول سعدی:

وقت ضرورت چو نماد گریز

دست بگیرد به سر شمشیر تیز

موشه سیاستمدار و سارای عاقل مانند هزاران موشه و سارای جوامع، به کمک عقل، نه راز و نیاز و دعای واهی، نه تنها خود و فرزندان خویش را نجات دادند بلکه جامعه ای را از خطر دور کردند. اینجاست که به مدرسین مروج موهومات ادیان عرض می کنم، اگر نمی توانیم زمان را برای جوانان بسازیم، جوانان را برای زمان بسازیم و قبل از دینداری فرزندان را آگاه و عاقل بار بیاوریم تا انسان هائی منطقی باشند نه مقلد طوطی صفت دیندار، چون هر جا عقل باشد منطق هم خواهد بود. که گفته اند:

خرد نزدیک دولت کس فرستاد

که می خواهم که با من یار باشی

جوابش داد دولت هر جا

که من باشم تو خود ناچار، باشی

آری می گویند افراد عاقل مشکلات را برطرف می کنند ولی نوابغ از وقوع مشکلات جلوگیری می نمایند. این زن و شوهر قطعاً از جمله ی نوابغ بودند.

حضرت سلیمان در پیرقه آووت- کتاب اندز پدران می گوید: خدایا کسی را که عقل ندادی چه دادی و کسی را عقل دادی چه ندادی؟

با اجازه حضرت اضافه می کنم، خدایا کسی را همسر عاقل دادی چه ندادی و کسی را که همسر عاقل ندادی چه دادی؟

در موقع فوت از حضرت سلیمان سه سؤال می کنند. دنیا را چه دیدی؟ می گوید بدترین بدها، بهترین طریق زندگی کدام است؟ می گوید محتاج نبودن و گمنام بودن، سؤال سوم که ارزش چندین کتاب دارد این بوده که می پرسند بدترین آدمی که در عمر خود دیدی کدام بوده؟ می گوید آنها که ندانسته قضاوت می کنند.

افسوس که بسیاری را می بینیم که بدون هیچگونه اطلاع و علمی درباره همه امور قضاوت، حتی تصمیم گیری می فرمایند. دوستان، نگارنده حق قضاوت و تعیین تکلیف ندارد ولی مانند همگان، حق اظهار عقیده دارد و معتقد است همه انسان ها، مقدم بر هویت خانوادگی، دینی، وطنی و نژادی و غیره، دارای هویت انسانی مشترک با همه انسان ها هستند و درک این هویت انسانی بدون رنگ و نشان بشر است که می تواند همه انسان ها را به دور از تبعیض، به گونه ای سهیم و شریک نماید که موجب آسایش نوع بشر و صلح پایدار جهانی گردد. دوستان: گذشتگان پل های خشت گلی لرزانی بودند برای عبور سالم ما، بیائیم به جای دیوار جدائی به نام دین و پیروی از مهملات منتسب به دین، به همراه علوم روز پلی باشیم مطمئن تر، محکم تر مطابق با محاسبات علمی روز برای عبور نسل آینده.

هشدار می دهم: طبع یکسونگر خشک اندیش، عقل گریزی است و اوج پیشرفت واپس گرایان ادیان موجب انقراض حاکمیت عقل و استقلال ممالک و ادیان و خانواده ها خواهد شد در اعتقادات خود منطقی و در اجرا متعادل باشیم، تا این که واپس گرائی و ریاکاری پا نگردد.

هیچ دینی از تظاهر و تقلید از تنفر دینی و فرقه ای ارثی، خیری ندیده از چاپلوسان دوری گزینیم که گفته اند:

در مکتب این دینداران مردم به دو پندارند

یا، رند و ریا کارند، یا ملعبه رندان

در بارگه هستی راهی نتوان یافت

یا فکرت و اندیشه، یا مانده در این زندان

واقعیت خود را به سادگی نشان نمی دهد لازم است واقع بین بود تا به قول شیرازی ها فهمید که چُطو شد که اُطو شد.

ارثی بودن ادیان دلیل چشم بستن به واقعیات روز و نابینا بار آوردن فرزندان به نام هیچ دین و فرقه ای نیست، خطاب من به مدرسین و مروجین موهومات و خرافات ادیان این است مدارس و کتب درسی بیش از ارتش های دنیا قادرند در صلح جهانی سهیم باشند. عقلانی بیندیشید چون:

هیچ گاه عاقل نسازد خانه ای

که شود از عطسه ای ویرانه ای

شما، می تنید تاری که جارویش کنند

می کشید طرحی که معیوبش کنند

شما: پایه می سازید ولی سست و خراب

نقش نیکو می زنید اما برآب

با ایمان به حسن نیت شما به شما عرض می کنم مکتب، مدرسه می سازید خوب و آباد و شاد که قابل تقدیر است، ولی معلم کیست؟ تابع فرهنگ روز یا مهملات منتسب به دین؟ چه درس می دهید؟ گفته ها و نوشته های جدائی افکن هزار ساله ناخوانا با علم و فهم و فرهنگ روز؟

باور کنید چنانچه به اتفاق پیروان همه ادیان با تقدس زدائی از موهومات دینی و ترویج محبت، فقط اوامر عقلانی دینی به دور از دوئیت ها، توام با علوم روز را در مدارس خود تدریس کنید همه جوامع یک دست، از جمله نگارنده با افتخار در کنار شما خواهند بود. امروز پدر مادران معتقد، صمیمی دلخوش اند که فرزندان خود را به مدرسه خوب فرستاده اند، بدون آن که توجه کنند مدرسه فقط در و دیوار نیست. به بینید چه درس می دهند؟ فرهنگ تبعیض و دوئیت به معنی دینداری نیست، دین عقلانی، آزاد اندیشی و خردگرائی، هم گام با علم و تمدن روز است حتی قیام حضرت موسی برای مبارزه با خرافات، جادوگری و فال گیری و امثال آنها بود، ایکاش مروجین موهومات، به جای نقل قول های واهی شهادت آن را داشتند که بگویند گفته های غیر قابل اعتناً آنها نظریات خودشان و هم فکران ایشان است و دین را آلوده نمایند. فلسفه دین، ایجاد همبستگی و اتحاد بین ابناً بوده است نه ایجاد دو دستگی و گسستن زنجیره انسانیت، هیلال رئیس سنهدرین می گویند هر جا درباره اجرای اوامر دینی به مشکل برخورد نمودید به عقل خود مراجعه کنید هشدار می دهم حمایت و دفاع از موهومات به عنوان ترویج دین، یعنی حمایت از عقب ماندگی ها. امروز فرهنگ واپس گرائی پایه های خانواده ها حتی کشورها را می لرزاند، به هوش باشیم و برای برطرف کردن دو دستگی های بیهوده (سینت هینام) در حد امکانات فرد فرد جامعه، اندیشه کنیم، چون به حکم طبیعت وقوع مشکلات زندگی، حتمی است قبل از وقوع توجه داشته باشیم. هستیم که می اندیشیم گر نیندیشیم نیستیم. عقل امثال سارا و سیاست امثال موسی و هم بستگی های گوناگون جوامع را حفظ کرده و می کند نه مهملات منتسب به دین، و گرنه،

پایه می سازید ولی سست و خراب

نقش نیکو می زنید اما برآب

یکی از دوستان سؤال کردند کدام یک از مقالات خود را بیشتر می پسندی؟ گفتم مقاله بعدی، این هم مقاله بعدی، حالا تا بعد. برای دریافت کپی این مقاله و کتاب لحظاتی برای تفکر به فارسی و انگلیسی به وب سایت babanouri.com مراجعه فرمائید.